



پاسها از شب گذشته است

پاسها از شب گذشته است .
میهمانان جای را کرده اند خالی. دیرگاهی است
میزبان در خانه اش تنها نشسته
در نی آجین جای خود بر ساحل متروک میسوزد اجاق او
اوست مانده. اوست خسته .

مانده زندانی به لبهایش
اما بس فراوان حرفها
با نوای نای خود در این شب تاریک پیوسته
گیرند چون سراغ از هیچ زندانی نمی
میزبان در خانه اش تنها نشسته،

نیما یوشیج - زمستان 1336